زن بر دو راهی خانه و بازار

<"xml encoding="UTF-8?>

مقدمه

از آیات و روایات استفاده می شود که عرصه عمومی و ایفای نقش در موقعیت های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ویژه گروه یا جنس خاصی نیست. زن به عنوان جنس مؤنث، در هیچ آیه و روایتی از فعالیت اجتماعی و کار و تلاش در بیرون از خانه منع نشده است. بنابراین گرچه در طول تاریخ، خدمات خانگی و رسیدگی به خانواده از دغدغه های اصلی و عرصه های مهم فعالیت زنان بوده اما هیچ گاه به عنوان حوزه انحصاری مطرح نبوده است. در نتیجه این سخن که زنان نیز می توانند مثل مردان، فعالیت های اجتماعی داشته باشند، در جای خود سخن درستی می نماید اما نکته ای که باید بدان توجه شود این است که:
اولاً: جواز یک عمل، غیر از مطلوبیت و رجحان آن کار است. کارها و فعالیت هایی که مجاز است و زن و مرد، می توانند شرعا و عقلاً آنها را انجام دهند وقتی با یکدیگر مقایسه شوند اهمیت و مطلوبیت آن متفاوت خواهد بود. عوامل متعددی نظیر ذوق و سلیقه، استعداد، توانایی جسمی، ویژگی های روانی، مصلحت خانواده و جامعه در تعیین درجه مطلوبیت عمل مؤثر است. بنابراین کارهایی که فرا روی انسان قرار دارد از حیث ارزش و مطلوبیت برای وی یکسان نیست. از این رو مجاز بودن یک کار به معنای عدم ممنوعیت است نه مطلوبیت و رجحان.
ثانیا: انسان در دنیا در دو حصار زمان و توان زندانی است. نه می تواند فوق قدرتش فعالیت کند و نه فراتر از زمان قدمی بردارد.
محدودیت در توان، انسان را مجبور می کند که اوقات خود را تقسیم کند: پاره ای از وقت خود را برای کار و تلاش و زمانی را برای استراحت و تفریح قرار دهد. مدتی را نیز به دیگر نیازهای حیاتی اختصاص دهد. محدودیت زمانی نیز می طلبد که از میان کارهای مختلف که همزمان در برابر او صف می کشند، یکی را برگزیند.
این دو ویژگی، که به طور طبیعی مانع از اقدام انسان به همه کارهای مجاز و مورد علاقه است، اقتضا می کند که فرد با درایت و تیزبینی و بر اساس ملاک های مشخص و واقع گرایانه، کارهای مختلفی را که فرا روی اوست، در جدول اختیارش رتبه بندی کند. اشتغالات مهم تر و امور مطلوب تر را در ردیف اول و سایر کارها را در اولویت های بعدی قرار دهد و از میان آنها کاری را که مطلوب تر و در اولویت اول است، گزینش کند. لازمه رتبه بندی و گزینش، تقدیم مهم تر بر مهم و انجام برخی از کارها و رها کردن برخی دیگر است.
با توجه به این مقدمه، گرچه زن از نظر شرعی مجاز است علاوه بر ارائه خدمات خانگی و پرورش و تربیت فرزند، فعالیت اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه داشته باشد، اما آیا توان تکوینی نیز بر این کار دارد؟ آیا می تواند علاوه بر حضور فعال و بانشاط در خانه و اشتغال به کارهای طاقت فرسای آن، ساعات مشخصی را در کارخانه، کارگاه، ادارات دولتی، و مراکز قدرت و تصمیم گیری حضور چشمگیر داشته باشد؟ آیا برای زنان میسر است در دو عرصه خصوصی و عمومی تلاش و فعالیت داشته باشند؟ خدمات خانگی و رسیدگی به همسر و فرزند کار ارزشمند و اشتغال به کارهای اجتماعی در بیرون از خانه نیز مجاز است اما آیا پرداختن به هر دو به طور کامل و بدون کم و

کاست برای زن ممکن است یا انجام یکی سبب بازماندن یا کاهش توجه به دیگری می شود؟
بی شک با توجه به محدودیتی که برای انسان اعم از زن و مرد، بیان شد روشن می شود که ایفای هر دو نقش به طور کامل برای زن در عمل میسر نیست؛ زیرا محدودیت زمانی به زن اجازه نمی دهد در ساعاتی که به فعالیت اقتصادی و اجتماعی اشتغال دارد، به کودک خود رسیدگی کند و خواسته های همسر و خانه را هم برآورد.
محدودیت در قدرت نیز سبب می شود زن پس از انجام وظیفه اجتماعی و بازگشت از محل کار، با تنی رنجور و روانی خسته در خانه حاضر شود، در نتیجه نتواند نقش همسری و مادری را به خوبی ایفا کند. شواهد تجربی نیز بیانگر آن است که اشتغال زن به امور اقتصادی و اجتماعی وی را از ایفای نقش خانگی باز داشته یا از توجه او به خانه و خانواده می کاهد. (1) یکی از جامعه شناسان می گوید: زنی که شاغل است و مسئولیت اجتماعی بر عهده دارد، اگر ناچار باشد تمام وظایف خانه را طبق سنت ها بپذیرد و انجام بدهد، قطعا دچار تعارض می شود ... اگر ما به این موضوع توجه نکنیم و مسئولیت خانه و خارج از خانه را بر عهده زن بگذاریم، شاهد فرسایش زودرس زنان خود خواهیم بود. در سال های آینده شاهد زنانی خواهیم بود که دیگر تعادل حیاتی ندارند چون بار سنگین دوگانه را نمی توانند تحمل کنند ... اگر بنا باشد زن در اجتماع مشاغل بزرگ داشته باشد و با قدرت و صلابت این وظایف را ایفا کند و سپس به خانه بیاید و نقش یک زن عاطفی و جنس دوم را ایفا کند، دچار تعارض می شود. (2)
همه این اعترافات بیانگر آن است که جمع میان این دو نقش ممکن نیست، به همین سبب جامعه شناسان ازدواج و مسئولیت های خانگی را یکی از عوامل مؤثر در کاهش کار زنان و از موانع اشتغال آنان معرفی کرده اند. (3)
البته ممکن است برخی از زنان با تلاش چند برابر و ازخودگذشتگی بیشتر، فعالیت اجتماعی خود را به طور کامل انجام داده و در اداره منزل نیز موفق باشند. چنان که برخی از کارها به سبب همسویی با وظایف خانه داری، این امکان را برای زن فراهم می کند که بتواند در هر دو عرصه فعالیت داشته باشد. اما این موارد، استثنایی و خارج از بحث ماست، بنابراین اگر ورود زن به عرصه عمومی و اشتغال به فعالیت اجتماعی او را از عرصه خصوصی باز داشته یا لااقل از توجهش بکاهد وظیفه اش چیست؟ اگر زن نتواند میان نقش های دوگانه جمع کند، نتواند هم فضای خانواده را به بوی خوشِ مهر و محبت معطر سازد و کام تشنه همسر و فرزندان را با زلال عاطفه اش سیراب کند و به زندگی صفا و طراوت بخشد و هم در بیرون از خانه با دست توانای خود چرخ اقتصاد جامعه را به حرکت در آورد و در کارهای اجتماعی مشارکت داشته باشد، ترجیح با کدام است؟ به ناچار باید اولویت این دو کار را معین کرده و یکی را که دارای امتیاز بیشتری است و اولویت اول دارد انتخاب کرده و در رأس کارهای خود قرار داده و کار درجه دوم را ترک کرده و فدای دیگری کند.
بی شک قانون کلی در موارد تزاحم و تلاقی دو پدیده، توجه به کار مهم تر و به اصطلاح پیش داشتن مهم تر بر مهم است. اما نکته اساسی، شناخت و تشخیص مهم تر از میان چند کار است. بدین سبب سؤال اصلی ما در این نوشته آن است که اولویت اول زن در موارد تزاحم چیست؟ کدام یک از دو حوزه خصوصی و عمومی برای زن بایسته تر است؟ آیا زن محیط خانه و تربیت فرزند را اصل و اولویت اول خود دانسته و سایر اشتغالات را فرع و درجه دوم، یا به عکس، به کار و تلاش اجتماعی امتیاز بالاتر داده و آن را اولویت اول خود قرار دهد و ازدواج و رسیدگی به خانه و فرزندان را در درجه دوم و کاری استطرادی و فرعي؟ آیا زن، خانواده و فرزندان را فدای کار و تلاش اقتصادی کند یا کار و تلاش را فدای خانواده کند؟ این پرسشی است که به دنبال پاسخ آن هستیم.

بی شک مکتب های مختلف با توجه به جهان بینی های متفاوت، پاسخ های گوناگونی به این پرسش خواهند داد. اسلام نیز به عنوان یک مکتب زنده و جهانی که پاسخگوی همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است برای این پرسش پاسخی دارد که در صدد یافتن و بیان آن هستیم.

أ) دیدگاه اسلام

بی شک برای بیان دیدگاه اسلام در این مسئله و هر مسئله دیگر باید سراغ کتاب، سنت و عقل به عنوان منابع اصلی اسلامی برویم و پاسخ پرسش را از آنها جویا شویم. اما این سخن بدین معنا نیست که پاسخ هر پرسش و مسئله ای به طور صریح و جزیی در قرآن شریف و روایات اهل بیت (ع) مطرح شده است. بسیاری از مسائل جزیی به علل مختلف در کتاب و سنت نیامده، ولی از اصول کلی و محکم قرآنی قابل استنباط است. مسئله حاضر نیز از همین قرار است.
اینک با توجه به برخی از اصول حتمی که از قرآن و روایات برگرفته شده، جهت گیری اسلام را در ارتباط با پرسش یادشده بیان و در تأیید آن برخی از شواهد تجربی را نیز ذکر خواهیم کرد.

اصل اول: بنیان مقدس خانواده

میل به جنس مخالف یکی از نیازهای طبیعی انسان است. اسلام نه تنها با ارضای این میل مخالفتی نکرده، بلکه بر ارضای آن به صورت ضابطه مند و در چارچوب قرارداد زناشویی تأکید دارد. قرآن کریم خطاب به همه مسلمانان می فرماید: «به افراد مجرد و غلامان و کنیزانی که برای ازدواج شایستگی دارند همسر بدهید.» (4) فراگیر بودن خطاب آیه، شاهدی است بر اینکه سامان دادن امر ازدواج جوانان و افراد مجرد وظیفه همه مردم است.
مسلمانان نه تنها وظیفه دارند نسبت به ازدواج فرزندان خود اقدام کنند، بلکه نسبت به تزویج سایر جوانان نیز مسئولند. از نظرگاه دینی وساطت در امر ازدواج بهترین شفاعت است (5) و کسی که مجردی را همسر بدهد خداوند به نظر لطف به وی می نگرد. (6) رسول گرامی اسلام (ص) نیز ازدواج را سنت خود دانست و به مسلمانان سفارش کرد که از آن پیروی کنند. (7) در آموزه های دینی آمده: کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده (8) و دو رکعت نماز وی بهتر و بالاتر از هفتاد رکعت نماز فرد بی همسر دانسته شده است. (9) قرآن شریف همسران را مایه آرامش (10) و لباس یکدیگر معرفی کرده است. (11)
اسلام، ارضای غریزه جنسی و تولیدمثل و تکثیر نسل (12) را فقط در چارچوب خانواده مجاز دانسته و کسانی را که از این مرز فراتر روند، متجاوز می داند (13) و برای آنان مجازات های سختی مثل ضرب و قتل پیش بینی کرده است. بنابراین ارتباط جنسی به جز از راه زناشویی از دیدگاه اسلام محکوم و مطرود است. (14)
آموزه های دینی از یک سو انسان ها را به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق و ترغیب کرده، برای کسانی که در ساختن این بنای مقدس مشارکت دارند، پاداش های مادی و معنوی فراوانی بیان کرده، از سوی دیگر برای متجاوزان از حریم خانواده، مجازات های سختی تا حد قتل در نظر گرفته، از احکام و دستورهایی که جهت استحکام و استواری بنای مهم و سرنوشت ساز خانواده تشریع شده است استفاده می شود:
اول: در اسلام، زناشویی تنها شکل منحصر به فرد ارتباط انسان با جنس مخالف و ارضای غریزه جنسی و تولیدمثل، و تکثیر نسل است. (موضوع کنیزان نیز در همین فضا تفسیر و ارزیابی می شود.)
دوم: خانواده در فرهنگ اسلامی نهادی مقدس، ارزشمند و محبوب ترین بنا نزد خدا است. (15) قانونگذار اسلام

حفظ حریم آن را واجب و بر بقا، استمرار و استواری آن پای می فشارد و به هیچ وجه به نابودی و از بین رفتن و تبدیل و جایگزینی آن رضایت نمی دهد و آن را به سود فرد و جامعه نمی داند.
سوم: خانواده سنگر مستحکمی است که همسران در پناه آن از آسیب تیرهای انحراف و کژی در امان می مانند.
چهارم: تشکیل خانواده تنها برای ارضای غریزه جنسی و پاسخ به هوس های آنی و زودگذر نیست بلکه یک پیوند معنوی و عاطفی میان دو انسان است. در این پیمان هر یک از زوجین علاوه بر ارضای غریزه جنسی خود، نیازهای عاطفی طرف مقابل را نیز پاسخ می دهد و سکونت و آرامش وی را فراهم می سازد.
بنابراین از مجموع مطالب می توان به این نتیجه رسید که نهاد خانواده در اسلام یک اصل است و احکامی نظیر حرمت نگاه به نامحرم برای زن و مرد، وجوب پوشش برای زنان، خوش نداشتن طلاق، (16) احترام به پدر و مادر (17) و صله رحم (18) در راستای حفظ و حراست از بنیان ارزشمند و اصیل خانواده است. اهتمام اسلام به امر خانواده به عنوان یک نهاد مقدس اقتضا می کند که زن و مرد در حفظ آن بکوشند و رفتار فردی و مناسبات خانوادگی و اجتماعی خود را به گونه ای تنظیم کنند که در راستای حفظ و تقویت این نهاد باشد.

اصل دوم: محوریت زن در خانواده

گرچه زن و مرد در بنیانگذاری خانواده یکسان و هسته اصلی آن به شمار می روند اما ویژگی های جسمی و روانی هر یک از همسران، نقش خاصی را می طلبد، به همین دلیل سهم آنان در استحکام و استمرار این بنا یکسان نخواهد بود.
زن در آرام بخشی و تلطیف فضای خانه نقش ویژه دارد. قرآن به صراحت می فرماید: «او خدایی است که شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.» (19) آرام بخشی گرچه در سوره روم (20) به عنوان کارکرد هر یک از همسران بیان شده اما تأکید بر آرام بخش بودن زن برای مرد در آیه 189 سوره اعراف، نشانگر نقش ویژه زن در این امر است. بنابراین گرچه تهیه مسکن از وظایف مرد است و جسم و جان زن در خانه مرد، و در سایه حمایت او به آرامش می رسد اما خود از حیث روانی و عاطفی، منزل و مأوای مرد است و شوهر در کنار او آرامش می یابد. زن با نقش عاطفی و احساسی ویژه ای که دارد به خانواده نشاط و حیات می بخشد. آرام بخشی زن، روح خانواده است و تا زمانی که این روح در آن جریان دارد خانواده استوار و پابرجا خواهد بود. استمرار و برپایی خانواده تا زمانی است که مرد در منزل امنی که زن برای او فراهم کرده است، احساس آرامش و سکونت کند، نه تا زمانی که خانه ظاهری برپا باشد.
اگر مردی بهترین و بزرگ ترین خانه و باغ و ویلا را برای همسرش آماده کند اما زن نتواند نقش آرام بخشی خود را در آن به خوبی ایفا کند و از نظر عاطفی و روانی، نیازهای همسرش را تأمین نکند آن خانه و باغ و ویلا به تنهایی در تحکیم خانواده و استمرار حیات معنوی زوجین تأثیری نخواهد داشت. انسان های فراوانی خانه ندارند اما خانواده دارند. باغ و ویلا ندارند، از نظر امکانات مادی و مسکن دچار مشکلند اما از حیث عاطفی و آرامش روانی مشکلی ندارند. باصفا و صمیمیت زندگی می کنند. بنابراین، خانه ای که زن با دستِ دل می سازد کارآمدتر از خانه ای است که مرد با خشت و گِل بنا می کند.
از سوی دیگر، نقش برجسته زن در تولیدمثل که یکی از کارکردهای مهم خانواده است و در استحکام آن نقش اساسی دارد قابل انکار نیست. مشارکت مرد در تولیدمثل، مربوط به مرحله آغازین آن و در حد انتقال نطفه است. اما در مراحل بعدی یعنی رشد و پرورش جنین و تولد، که مهم ترین مراحل تولید و تکثیر مثل است نقشی

نداشته و در شیردهی و تغذیه و نگهداری کودک نیز نقش چشمگیری ندارد. این زنِ خانه و مادر است که نهال نوپای خانواده را با مواظبت و صبر و تحمل طی این مراحل پرورش داده و به ثمر می رساند. قرآن می فرماید: «ما به انسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد.» (21) در آیه دیگر فرمود: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد.» (22) در این آیات ضمن سفارش انسان ها نسبت به پدر و مادر، بلافاصله به زحمت ها و سختی های دوره بارداری و زایمان (که ویژه مادر و از مراحل پراهمیت تولیدمثل است) اشاره کرده که از نقش برجسته مادر و مسئولیت سنگین او حکایت دارد.

روایات فراوانی، بهترین غذای کودک را شیر مادر دانسته و آداب و دستورهایی را برای شیر دادن به کودک بیان کرده، بر نقش ویژه مادر در مرحله شیردهی دلالت دارد. (23) همچنین کودک علاوه بر نیاز مادی، دهها نیاز معنوی و عاطفی دارد که برآوردن آنها در درجه اول به دست مادر است.

بنابراین، جنس مؤنث هم به سبب نقش همسری و هم به جهت ویژگی مادری، در بنیان خانواده نقش محوری دارد. زن سنگ بنای بنیان خانواده و محور اصلی آن است. کلید حفظ و حراست خانواده در دست زن است. بنای عظیم خانواده با حضور پررنگ و بانشاط زن در خانه پابرجا و استوار و با حضور کمرنگ و خسته وی، متزلزل خواهد بود.

بر اساس اصل اول، خانواده در اسلام نهادی مقدس، باارزش، بی همتا و محبوب ترین بنا نزد خدا می باشد و رعایت حدود آن بر همه مسلمانان واجب است و بر اساس اصل دوم، زن به سبب ویژگی طبیعی و نقش همسری و مادری در استحکام و استمرار این بنا نقش برجسته، محوری و ویژه دارد. از این رو باید حضور وی در خانه از نظر کمّی و کیفی با نقش ویژه او در حفظ بنیان خانواده متناسب باشد. این امر اقتضا می کند که زن در خانه حضور جدی داشته باشد به این معنا که هم فرصت بیشتری را در خانه در کنار خانواده و فرزندان باشد و هم حضوری پررنگ و بانشاط داشته باشد. معنای این سخن آن است که خانواده و مسئولیت های خانگی، برای زن مهم تر و کار درجه اول و اشتغال در درجه دوم خواهد بود؛ با این بیان در تزاحم و تلاقی میان خانه و اشتغال، حق تقدم با خانه و خدمات خانگی است. این قاعده در مورد دختران نیز جاری است زیرا اصولی که پیش از این بیان شد مربوط به جنس مؤنث بود نه زن شوهردار. علاوه بر اینکه از دیدگاه اسلام هزینه ای بر عهده دختر نیست تا به دست آوردن مال و درآمد برای او مهم تر باشد، بنابراین اشتغال اولویت اول دختر نیست و نباید مانع و مزاحم ازدواج او شود. در دو راهی اشتغال و ازدواج، حق تقدم برای دختر، ازدواج است. بنابراین آنچه در برخی گزارش ها و نظرسنجی ها آمده که اشتغال به عنوان اولین مسئله و دغدغه زنان و دختران جوان مطرح است و اموری همچون ازدواج در رده پنجم یا ششم قرار دارند (24) با دیدگاه اسلام که از اصول یادشده به دست آمد، ناسازگار می نماید. البته این امر در مورد پسران شاید به عکس باشد زیرا پرداخت مهریه به زن و مسئولیت های مالی خانواده از دیدگاه اسلام بر عهده مرد است. جوانی که در صدد تشکیل خانواده است باید در اندیشه داشتن کار آبرومند با حداقلی از دستمزد باشد تا بتواند از آن طریق هزینه خانواده را تأمین کند. قرآن مردانی را که توانایی مالی برای ازدواج ندارند، به عفت و خودداری امر کرده و فرموده است: «آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی نیاز سازد.» (25) بنابراین می شود از این آیه و آیاتی که مهر و نفقه را بر عهده مردان قرار داده استفاده شود که اولویت اول مرد اشتغال و کسب درآمد است.

اشتغال زنان، ناهمگون با طبع مردان اشتغال زنان با خواست طبیعی مردان ناسازگار و عکس انتظاری است که آنان از زن دارند. بر اساس برخی از تحقیقات، حتی در کشورهای غربی «مردان به طور طبیعی زنی می خواهند که محور خانواده باشد و نقش مادری و همسری خود را به خوبی ایفا کند. یک بررسی اخیر از شش دانشکده و دانشگاه شمال شرقی، بیانگر واقعیتی تکان دهنده بود. اکثریت دانشجویان مرد انتظار دارند با زنانی ازدواج کنند که در خانه بوده و کار نکنند. آنان خودشان را نان آور می دانند و زنان شان در خانه در کنار بچه ها می مانند. ...
«جسی برنارد» در کتابش تحت عنوان «آتیه ازدواج» می نویسد: پشتکار و تکاپوی زیاد که منجر به موفقیت خواهد شد، ویژگی هایی که برای به دست آوردن شغل پردرآمد در جامعه مان مورد نیاز است، دقیقا آن چیزی است که اکثر مردان نمی خواهند در زنان وجود داشته باشد. امروز مردان حرفه ای و متخصص آینده، آنانی که حداقل در مدارس هستند، هنوز به دنبال مادرانی برای اولاد خود هستند. آنان به دنبال زنان متخصصی نیستند که بتوانند در دنیا به اندازه همان پیشرفت و استقلال آنها کار کنند.» (26)
«اصولاً مردان ترجیح می دهند زنان شان خانه دار باشند. این نکته پس از یک تحقیق در چند دانشگاه در آمریکا بار دیگر نشان داد که حتی در مجتمع های آموزش عالی در یک کشور متمدن که همواره شعار دفاع از حقوق بشر و آزادی سر می دهد، مردان زن را به عنوان یک همسر و یک مادر برای اولاد خود می شناسند و دل شان نمی خواهد که همسران آنها حتی دارای یک شغل پردرآمد باشد.» (27)
«مطالعات و تحقیقات نیز بیانگر این مسئله است که در همه جوامع نقش اصلی برای زنان، نقش مادری و همسری است.» (28)

فروپاشی بنیان خانواده دنیای غرب که اشتغال زنان را در رأس شعارهای خود قرار داده و مدّعی تساوی زن و مرد در تمام عرصه های فردی و اجتماعی است، به خانواده به عنوان یک اصل اساسی و مقدس، و نقش محوری زن در آن، توجه نکرده است، بدین سبب بنیان عظیم خانواده در آن دیار بسیار سست شده است. یکی از جامعه شناسان می گوید: «در سال های اخیر عموما این موضوع مطرح است که خانواده به ویژه در جوامع صنعتی در حال از بین رفتن است یا حداقل از نظام و شیوه خود خارج شده است ... طی سال های اخیر به ویژه در جوامع صنعتی گرچه عموما ازدواج با تأخیر مواجه شده یا سن ازدواج افزایش یافته است، لیکن نحوه جدیدی از زندگی، یا به تعبیری «جایگزیني» برای ازدواج موسوم به همزیستی مشترک پدیدار گردیده است. افزایش این نوع خانواده ها (خانوارها) باعث گردیده است تا قداست خانواده کاهش یافته، خانواده هر چه بیشتر به سوی ناپایداری سوق یابد ... . به عبارت دیگر، این جریان باعث شده تا به تعبیر نویسندگان غربی، خانواده در مغرب زمین با مرگ مواجه گردد. یعنی از حدود نیم میلیون مورد [خانواده های فروپاشیده] در سال 1970، این رقم در سال 1986 به دو میلیون مورد افزایش یافته است.» (29)
مونا شارن، نویسنده آمریکایی در مقاله ای تحت عنوان «اشتباه فمینیست ها» می نویسد: «آزادی زنان برای ما افزایش درآمد، سیگار ویژه زنان، حق انتخاب برای تنها زیستن، و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبارات فردی، عشق آزاد، و زنان متخصص بیماری های زنان را به ارمغان آورد و لکن در ازای آن چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو اوست و آن همسر و خانواده است. اسلام به حد فراوانی روی ازدواج و تشکیل خانواده اصرار دارد و عزب بودن و تنها زیستن را مذمت کرده است و خوابیدن بدون همسر را نامطلوب دانسته اما در فرهنگ نادرست غربی بر تنهایی و عزب بودن تأکید می شود. با انقلاب صنعتی، نهضت

های فمینیستی نیز فشار خود را در راستای اشتغال زنان در فعالیت های صنعتی افزایش دادند. بدون آنکه برای کانون خانواده و نقش حیاتی زن به عنوان همسر و مادر برنامه ای اندیشیده باشند، به نام آزادی زن و برابری او با مرد جایگاه والای زن به عنوان مربی جامعه لگدمال شد و ارزش اقتصادی دادن به وقت و کار وی، جانشین ارزش و نقش تربیتی او گردید.» (30)
ممکن است گفته شود کار خانه و ایفای نقش های همسری و مادری معمولاً مجانی است و برای آن مزدی در نظر گرفته نمی شود در حالی که اشتغال زن به فعالیت اجتماعی ارزش اقتصادی معینی دارد و برای زن درآمد دارد؛ با این وجود چه ترجیحی برای کار خانگی وجود دارد که در زمان تزاحم، زن را به خدمات خانگی الزام کند؟! برای پاسخ به این شبهه اصل سومی را بیان می کنیم.

اصل سوم: ارزش های والای معنوی

ارزش اقتصادی و مزد مادی، نمی تواند ملاک و میزان برای تعیین ارزش همه کارها باشد. برخی از کارها مسلّم ارزشمند است و کسی در اهمیت آن شک ندارد که با معیار مادی قابل اندازه گیری نیست. هیچ کس شک ندارد که کار مکتشِف و مخترع با ارزش است و میلیاردها انسان از آن بهره می برد اما با کدام معیار مادی می توان ارزش آن را تعیین کرد؟ کسی که برای حفظ وطن خویش جانفشانی می کند و از جان خویش می گذرد با کدام پاداش مادی می توان کار او را پاداش داد؟ بنابراین ارزش مادی معیاری فراگیر برای تعیین ارزش کار نیست. در نتیجه این پندار که مزد مادی می تواند ارزش هر چیز را تعیین کند، باطل است. هیچ گاه کم بودن ارزش مادی یک کار دلیل بر کمتر بودن ارزش آن نیست چنان که عکس آن نیز درست است؛ یعنی بیشتر بودن مزد مادی نمی تواند دلیل بر باارزش بودن باشد. در اسلام ارزش های دیگری برتر از ارزش های مادی مطرح است. خداوند در قرآن شریف پاداش کسانی را که با مال و جان خویش در راه خدا فداکاری می کنند بهشت قرار داده است. (31)
از دیدگاه اسلام فعالیت های خانگی زن ارزش اقتصادی دارد. بنابراین کاری که زن در خانه انجام می دهد الزاما مجانی نیست و زن می تواند در مقابل عملی که انجام می دهد از همسرش مزد دریافت کند. اما اجرت مادی در برابر پاداش معنوی ای که در آموزه های دینی در نظر گرفته شده، بسیار ناچیز است.
از نگرش اسلام، خانه برای زن خط مقدم جبهه است و کاری که زن در آنجا انجام می دهد با ارزش جهاد مردان برابر است. پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با خدمات خانگی زن فرمود:
«هر زنی که هفت روز خدمت شوهرش را انجام بدهد خداوند هفت در از درهای آتش را بر او می بندد و درهای هشت گانه بهشت را بر او می گشاید که از هر در بخواهد وارد شود.» (32)
گروهی از زنان خدمت رسول اللّه (ص) شرفیاب شده و گفتند: مردان با جهاد در راه خدا فضایل فراوانی برای خود کسب می کنند. آیا برای ما عملی نیست که ثواب مجاهدان در راه خدا را درک کنیم؟ پیامبر (ص) به آنان فرمود: «خدماتی که شما در خانه ارائه می کنید ثواب جهاد دارد.» (33) همچنین از رسول اللّه (ص) نقل شده است: «هر زنی که به منظور اصلاح امور خانه چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد، خدا نظر مرحمت به او خواهد کرد و هر کس مورد نظر خدا واقع شود به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد.» ام سلمه عرض کرد: یا رسول اللّه ، پدر و مادرم قربانت، برای زنان ثواب های بیشتری بفرمایید. رسول خدا (ص) فرمود: «هنگامی که زن آبستن می شود، پاداش روزه دار و شب زنده دار را دارد و خدا به او اجر کسی را می دهد که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند. هنگامی که بچه اش را به دنیا آورد، آن قدر پاداش دارد که کسی نمی داند و هر بار شیر می دهد، برابر آزاد

کردن برده ای از فرزندان حضرت اسماعیل است. وقتی از شیر دادن فارغ شد، به او خطاب می رسد: گناهانت آمرزیده شد؛ اعمالت را از سر بگیر.» (34)

در ارتباط با نقش همسری زن نیز روایاتی از امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نقل شده است که: «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.» (35) اسماء، دختر یزید انصاری به نمایندگی گروهی از زنان خدمت رسول اللّه شرفیاب شد و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، من به نمایندگی زنان نزد تو آمده ام ... خداوند تو را برای زنان و مردان مبعوث کرد و ما زنان به تو و خدایت ایمان آوردیم. ما در خانه های خویش نشسته و نیازهای شما را برآورده می کنیم. مادر فرزندان شما و پرورش دهنده آنهاییم. در حالی که کارهای بزرگ و پرارزش به مردان اختصاص یافته و ما از آنها محرومیم. مردانند که توفیق جمعه و جماعت دارند، به عیادت بیماران می روند، در تشییع جنازه شرکت می کنند، حج مکرر انجام می دهند و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند در حالی که وقتی مردی در جهاد یا مراسم حج شرکت می کند، ما اموالش را نگه می داریم و برای جامه هایش نخ می ریسیم، فرزندانش را تربیت می کنیم. چرا در زحمت ها شریک شما هستیم اما در وظایف بزرگ و مقدس و کارهای پر ارج و پاداش شرکت نداشته و از آنها محرومیم؟

پیامبر رو به اصحاب کرد و فرمود: آیا تا کنون سخنی به این خوبی در امر دین از زنی شنیده اید؟ اصحاب گفتند: گمان نمی کنیم زنی به این خوبی سخن بگوید! پیامبر رو به زن کرد و فرمود: «ای زن، برو به زنان دیگر بگو که خوب شوهرداری شما و جلب رضایت همسر و پیروی از وی معادل تمام ثواب هایی است که مردان از راههای دیگر کسب می کنند.»

اسماء در حالی که از این خبر مسرت بخش زبانش به تکبیر و تهلیل گویا بود از خدمت رسول اللّه بازگشت. (36) رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: «یک جرعه آب به شوهر دادن برای زن بهتر است از یک سال عبادتی که روزها را روزه و شب ها را به نماز مشغول باشد. خداوند به شمار دفعاتی که به همسرش آب بنوشاند خانه ای در بهشت برای او می سازد و شصت گناه او را می بخشد.» (37)

در ارتباط با ارزش مادری نیز رسول گرامی اسلام فرمود: «خداوند برای زن باردار، اجر و پاداش کسی را که روزها را روزه دارد و شب ها را به عبادت مشغول است می نویسد ... در وقت زایمان به اندازه ای به او اجر می دهد که جز خدا نمی داند. وقتی که کودک را به دنیا آورد به تعداد مکیدن های کودک از سینه مادر برایش ثواب نوشته و از گناهانش می گذرد.» (38) در روایات فراوانی به تعبیرهای مختلف آمده که بهشت زیر پای مادران است (39) و نسبت به مادر بسیار سفارش شده است. (40)

از مجموع این روایات، به خوبی استفاده می شود که ارزش والای کار زن در خانه در عصر ائمه نیز برای مردم روشن نبوده است. کار خانگی که معمولاً توسط زنان انجام می شده در هر زمان با بی مهری روبه رو بوده، در حالی که کارهای بیرون از خانه که مردانه بوده باارزش تر و چشمگیرتر به نظر می آمده است. این امر، زنان عصر ائمه (ع) را نیز به این پرسش وادار کرده که چرا باید چنین باشد و زنان از بسیاری از ارزش ها محروم باشند.

مفسران وحی با بیان ثواب بی شمار برای حمل و زایمان و بچه داری، ارزش والای کار زن در خانه را به مردم گوشزد کرده و آنان را متوجه این مهم کردند که بچه داری و تربیت فرزند به دست توانای زن، کمتر از کار مردان در بیرون از خانه نیست. اسلام فرهنگ خانه داری و مادری را ارزشمند دانست و آن را بین مسلمانان ترویج کرد. بنابراین بر خلاف فمینیست ها (41) و برخی از نویسندگان مسلمان (42) که علت فرودستی زنان را حامله شدن و بچه زایی می دانند، آموزه های دینی با تبیین جایگاه واقعی همسر و مادر، زنان را به همسرداری و بچه داری ترغیب و

تشویق کرده است. در حالی که «مادر اگر فرزند صالح و سالمی تربیت کند و به اجتماع تحویل دهد مثل آن است که دنیایی را زنده کرده است.» (43)

همچنین یکی از نویسندگان می گوید: «مادر به عقیده ما باید فقط مادر بماند تا جامعه بهشت را در زیر پای او احساس کند. هیچ خدمتی ضروری تر و حیاتی تر و مقدس تر از خدمت مادری نیست. مادر باید تمام وقت مادر بماند. مادران نیمه وقت، آینده فرزندان خود را فدای درآمد ناچیز از خدمات عمومی می نمایند. هیچ درآمدی، آینده سعادت بخش فرزندان ما را به جای محبت مستمر و مراقبت مادر تأمین نمی کند. این خدمت تمام وقت مادران است که هرگز قابل ارزیابی نیست، به همین مناسبت از لحاظ جرم شناسی حضور مادر در کانون خانوادگی، ابتدایی ترین ضرورت به نظر می رسد.» (44)

دکتر الکسیس کارل می گوید: «تعلیم و تربیت کودک، دقتی دائمی را ایجاب می کند که جز به وسیله پدر و مادر تأمین نمی شود زیرا فقط اینان مخصوصا مادر از آغاز زندگی، خصایص بدنی و روانی و استعدادهای کودک را (که پرورش آنها باید هدف تعلیم و تربیت قرار گیرد) شناخته اند. خبط بزرگ اجتماع امروزی در این است که از سنین کوچکی، کودکستان و دبستان را جایگزین کانون خانواده و دامان مادر کرده است. این امر را باید معلول خیانت زنان دانست. مادرانی که کودکان خود را به کودکستان می سپارند تا به شغل اداری و هوا و هوس و تفننات ادبی و هنری خود بپردازند یا فقط وقت خود را به بطالت بگذرانند، سبب خاموشی اجاق های خانوادگی می شوند که کودکان در آنها بسی چیزها را فرا می گیرند. رشد کودکانی که در میان خانواده خود به سر می برند بیشتر از اطفالی است که در مدارس شبانه روزی بین همسالان خود زندگی می کنند.» (45)

همان کارهایی را که پیشوایان دینی ما بر آن تأکید داشته و با بیان ثواب های فراوان، ارزش و جایگاه آن را برای زنان مسلمان بیان کرده اند امروزه تحقیر شده و کم ارزش جلوه داده می شود. امروز دنیای غرب که به ارزش های معنوی اعتقادی ندارد با تبلیغات مسموم بر ضد نقش همسری و مادری و به کار بردن عناوین تحقیرکننده مثل نوکری مردان، کهنه شویی و زندانی در خانه برای آن و پررنگ کردن ارزش های مادی و اقتصادی، کاری کرده است که برخی بانوان مسلمان و معتقد ما نیز باور کرده اند که این کارها ارزش ندارد و ناخودآگاه ارزش های مادی برای آنان در رتبه اول قرار گرفته است. بی شک این گونه زنان، کار پردرآمد و سودآور را، اولویت اول خود دانسته و در موارد تزاحم میان اشتغال و ازدواج و خدمات خانگی، گزینه اشتغال را ترجیح داده و انتخاب خواهند کرد.

بنابراین، با توجه به اهمیت و ارزش والای نقش مادری و همسری در اسلام و با توجه به اینکه یکی از معیارهای انتخاب کار در مواقع تزاحم، ارزشمندتر بودن کار است، به خوبی فهمیده می شود در مورد تزاحم میان خدمات خانگی و اشتغال، ترجیح با خدمات و مسئولیت خانگی است؛ زیرا ارزش آن به مراتب از ارزش فعالیت اقتصادی بیشتر است.

افزون بر آن که در حقوق اسلامی تأمین هزینه های زن و فرزند به عهده مرد است. هزینه زن به عنوان دختر و فرزند خانواده بر عهده پدر و پس از پیمان زناشویی به عنوان همسر بر عهده شوهر است. زن در اوضاع عادی هیچ الزامی به تأمین هزینه زندگی خود ندارد. مرد وظیفه دارد با تلاش خود هزینه های زن و فرزندان را مطابق با شئون آنان تأمین کند. (46) اگر زنی سرپرست خانواده نیست و ضرورتی برای فعالیت اقتصادی او وجود ندارد تا به کار وی اولویت بخشد، اشتغال برای او اولویتی نخواهد داشت.

نتیجه اینکه: اگر زن بخواهد دور از هوا و هوس و جوّزدگی و تبلیغات، با فکر و اندیشه، از میان کارهایی که می تواند انجام دهد یکی را هماهنگ با ساختمان جسمی و روانی، که از دیدگاه اسلام ارزش بیشتری دارد برگزیند و

اولویت اول خود قرار دهد چیزی جز مسئولیت خانگی (خانه داری و همسرداری و فرزندداري) نخواهد بود.

ب) علاقه قلبی و میل باطنی زنان

تا کنون مسئله اولویت شغلی زنان را با رویکرد دینی بررسی کرده، به این نتیجه رسیدیم که اولویتِ اول زن از دیدگاه اسلام، ایفای نقش های همسری، مادری و خانه داری است. اکنون صرف نظر از گرایش دینی، ببینیم میل درونی زنان متوجه کدام یک از این دو گزینه است. منابع ما در این بررسی، مطالعات و تحقیقات دانشمندان و آمار و اطلاعات کشورهای مختلف است.

1ـ تحقیقات دانشمندان

بررسی ها و تحقیقات دانشمندان نشان می دهد که زنان به کارهای خانگی تمایل بیشتری دارند. خانم لمبرزو می گوید: «فطرت اولیه زن به خاطر وظیفه مادری و شوهرداری و صفا بخشیدن به زندگی زناشویی و تشکیل خانواده و نیز از خودگذشتگی در راه زندگی خانوادگی سرشته شده است.» (47)
یکی دیگر از روانشناسان غربی می گوید: «خداوند که جنس مذکر را برای مبارزه و تلاش آفریده، جسم و جان زن را برای مادری، عشق و بقای خانواده برگزیده است.» (48)
برخی از جامعه شناسان غربی اعتراف دارند: «زنان به طور طبیعی و غریزی تمایل به کارهای خانه از قبیل فرزندآوری و بچه داری دارند. طرفداران تساوی حقوق مرد و زن گرچه با شعارهای خود، زنان را از خانه ها خارج کرده و به سوی مراکز اقتصادی و خدماتی روانه کردند اما نتوانستند تمایل قلبی زنان را به بچه داری و خانه داری از بین ببرند. در تحقیقی مارتین و رابرتز به این نتیجه رسیدند که «بیشتر زنان شوهردار که به سن بازنشستگی نرسیده اند هنوز هم کار با حقوق را در زندگی شان چندان مهم نمی دانند و در نظر آنها خانه و فرزند هدف واقعی و شغل اصلی زن است.» (49)
این نویسنده می افزاید: «به رغم آنکه حقیقت دهه 1960 حاکی از مشارکت بیشتر مردان در این عرصه از زندگی خانوادگی بود، بررسی های اخیر نشان داده است نگهداری از کودکان در جوامع صنعتی غرب، عمدتا کاری است زنانه و بیشتر مردان و نیز غالب زنان از زن خانواده انتظار دارند مسئولیت مراقبت و نگهداری روزمره از کودکان را بر دوش گیرند.» (50)
خانم کارول ا.تورکینگتون که خود 27 سال به عنوان کارمند کار کرده است در مقدمه کتاب خود به نام زنان شاغل (Working woman) می گوید: «جالب است بگویم کلیه زنان موفق، شادترین لحظات زندگی شان را بر خلاف آنچه دیگران ممکن است تصور کنند از قبیل ارتقای شغلی، تغییر شغل به شغل مورد علاقه، یا داشتن یک خانه لوکس و مجلل ندانسته بلکه بسیاری از آنان معتقدند که شادترین لحظات زندگی، لحظات آرام و شادی بخشی است که در کنار فرزندان و شریک زندگی شان داشته اند ... آنها ثابت کرده اند با وجود اینکه در دنیایی به سر می برند که هر روز ارزش ها کم رنگ تر می شوند، در دنیایی که به نفع مردان تبعیض قائل می شوند، در دنیای تعصب ها و سیاست هایی از این قبیل که شرکت ها از آن پیروی می کنند، لحظات کوچک و شیرین زندگی خانوادگی می تواند مسرت بخش ترین لحظات زندگی به شمار آید.» (51)
«زنانی که خود به کارهای بیرون از خانه اشتغال داشته و طعم تجربه تلخ آن را درک کرده اند تمایل ندارند فرزندان خود را بی جهت از زندگی و خانواده جدا کنند.

یکی از زنان که از بازرسان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش مصر بود قبول نکرد که دخترش تحصیلات دانشگاهی را به پایان برساند و او را پس از گرفتن دیپلم متوسطه شوهر داد و در باره علت این اقدام چنین گفت: من نمی خواهم که به دست دخترم همان اسلحه ای را بدهم که مرا در طول زندگی عذاب داد.» (52)
مارتین و رابرتز، بر آنند زنان جوان بیش از پیش احتمال دارد برای کار اولویت بالایی قائل شوند اما برای اغلب دخترانی که مدرسه را ترک می کنند ازدواج هنوز مهم ترین هدف است، حال آنکه در نظر پسرها مهم ترین هدف داشتن شغل است. (53)
یک بررسی توسط وال استریت ژورنال بیانگر این است که تولیدکنندگان شکایت از این دارند که نمی توانند کارمندان زن خود را در برنامه های توسعه ای که این شرکت ها به ویژه برای آنها برنامه ریزی کرده اند دخالت دهند. برخی زنان کار خود را رها می کنند و ابراز می دارند کار، استرس و نگرانی بیشتر از حد توان برای آنها ایجاد می کند. این زنان که اکثرا ازدواج کرده و دارای فرزند هستند نگرانی خود در مورد پیشرفت شان را با مسئله امن تر «بیشتر مورد نیاز بودن در خانه» جایگزین می کنند. برخی از این زنان خانه دار با نگرانی اظهار داشتند که از شوهران خود تقاضا کرده اند به خانه های کوچک تر و همسایگانی که خوشایند نیستند نقل مکان کنند، چرا که آنها می خواستند کارشان را رها کنند و دوباره خود را وقف خانواده نمایند؛ تصمیمی که معتقد بودند به آنها احساس «رهایی بی نهایت» می دهد. (54) آنچه امروز شگفت آور است این است که نیمی از زنانی که ازدواج کرده اند و با شوهران شان زندگی می کنند، هنوز ترجیح می دهند همچنان کنار بخاری در خانه بنشینند.» (55)
«در یک بررسی ملی که دو سال پیش انجام شد، از زنان شاغل پرسیده شد که از نظر شخصی بیشتر کار در خانه آنها را راضی می کند یا کار بیرون از خانه؟ جواب این بود: کار در خانه.» (56)
در سرشماری سال 1985 در آمریکا پنجاه درصد از مردان و بیش از چهل و پنج درصد از زنان با این فرآیند موافق بوده اند که اگر مرد به کسب درآمد و زن به مراقبت از خانه و خانواده بپردازد برای همه خیلی بهتر خواهد بود.
همچنین زمانی که از دانش آموزان سال آخر دبیرستان سؤال شد که مطلوب ترین شکل تنظیم کار و مسئولیت برای زن و شوهری که فرزندان پیش دبستانی دارند چیست، نخستین اولویت آنان کار تمام وقت برای شوهر و دست کشیدن کامل زن از شغل بود. (57)
جان استوارت میل معتقد است: گرچه زنان باید حق کار کردن داشته باشند ولی وقتی ازدواج کردند آنها اداره خانه و تربیت خانواده را به عنوان اولین اولویت در تلاش خود انتخاب می کنند. زنان مسن تر که این وظیفه را انجام داده اند می توانند برای صرف کردن انرژی خود در زندگی ملی تصمیم بگیرند، مانند آنکه به مجلس راه یابند اما باز بهترین مکان برای زنان متأهل خانه است. (58)
سیمون دوبوار رهبر فمینیست های رادیکال می گوید: «به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید به کلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را بر عهده گیرند؛ یعنی اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و یا شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می دهند تا در خانه بمانند.» (59)
خانم سفیری نیز در گفتگویی بیان داشته است: «یک بررسی تطبیقی که میان کشورهای صنعتی و در حال توسعه انجام دادم (با اینکه آنان خیلی داد از این می زنند که همه خانم ها و آقایان از حقوق مساوی برخوردارند) باز دیده می شود که خانم ها در بعضی مشاغل متمرکز هستند مانند: مشاغل پزشکی و پرستاری و دیگر مشاغل خدماتي.» (60) این امر بیانگر آن است که زنان به طور طبیعی خدمات خانگی را به عنوان اولویت اول شغلی خود

برمی گزینند. میل غریزی زنان به این گونه مشاغل گرایش دارد که با وجود آزادی و عدم محدودیت در انتخاب شغل به طور طبیعی به مشاغلی که با روحیه مادری سازگار است روی می آورند.

2ـ آمار و ارقام

آمار و ارقامی که در ارتباط با اشتغال زنان منتشر می شود به دو نکته اشاره دارد:
نخست اینکه تولد فرزند بر اشتغال زنان اثر منفی دارد و درصد فراوانی از زنان را از کار کردن در بیرون از خانه منصرف می کند؛
دوم اینکه، بیشتر زنانی را که جذب بازار کار شده اند، به سوی کارهای همساز با کارهای خانه نظیر پرستاری، کودک داری و تربیتی کشانده است.
این دو امر بیانگر آن است که زنان به طور طبیعی بچه داری و خانه داری را اولویت اول خود می دانند.
«بر اساس یک بررسی انجام شده در کشوری نظیر فرانسه با تولد اولین فرزند، بازگشت زن به خانه آغاز می گردد و با دومین فرزند مقاومت زن در بازار کار کاهش می یابد، به طوری که با تولد سومین فرزند در گروههای شغلی نظیر کارمندان فقط 15 درصد زنان شاغل به چشم می خورند. در حالی که قبل از تولد فرزندان 78 درصد شاغلین در بین گروههای کارگر، 72 درصد در بین گروههای کاسب و 68 درصد در بین کارمندان را زنان تشکیل می دادند.» (61)
در آماری که از زنان شاغل در ایران به دست آمده است: «بالاترین نسبت اشتغال زنان در بخش دولتی به وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است که به ترتیب 1/42% و 1/41% است ... به استناد آمار و اطلاعات موجود در حال حاضر 30% از کارکنان دولت را زنان تشکیل می دهند که از این تعداد 70 درصد در وزارت آموزش و پرورش، 11 درصد در وزارت بهداشت و درمان و 19 درصد بقیه نیز در سایر وزارتخانه ها و سایر سازمان ها مشغول به کار هستند.» (62)
بر اساس این آمار اوّلاً اکثر زنان در خانه یا کاری که با خانه داری آنان همسازتر باشد مشغولند و حدود 30 درصد در کارهای دولتی اشتغال دارند. مقدار اکثریت (که حدود 70 درصد است) در بخش آموزش و پرورش مشغولند که همسو با روحیه و کار خانگی آنان است. به موجب آمار رسمی در سال 1374 مجموعا 616974 نفر مستخدم زن در
وزارتخانه ها و مؤسسات مشمول و غیر مشمول قانون استخدام کشوری اشتغال داشته اند که از این جمعیت تعداد 549732 نفر زن در دو وزارتخانه آموزش و پرورش و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خدمات عمومی اشتغال داشته اند. این تعداد برابر 1/89 درصد از کل مستخدمان زن می باشد. کمترین میزان استفاده از خدمات شغلی زنان مربوط به وزارتخانه هایی با وظایف فنی و صنعتی مانند وزارت نیرو، صنایع و امثال آنها بوده است. بالا بودن اشتغال زنان در بخش مشمول فقط به علت وجود اکثریت قاطع زنان در مشاغل معلمی و آموزگاری در وزارت آموزش و پرورش، نیز اشتغال آنان به مشاغل پرستاری و مامایی و غیره در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. (63) در سال 1365 این دو وزارتخانه 93 درصد از زنان شاغل در بخش مشمول را در خود جای داده اند. با حذف دو وزارتخانه مذکور در مجموعه اشتغال بخش مشمول، سهم اشتغال زنان به 6/9 درصد تنزل می کند. (64)
این امر به کشور ایران اختصاص ندارد. به گفته جونی زیگر: «کار معمول زنان در سطح جهان، امور مربوط به

کودکان، پرستاری و آموزگاری مدارس ابتدایی است.» (65)
استفانی می گوید: «در نظر «اوکلي» و سایر فمینیست ها طنز مسئله در اینجاست که صرف نظر از معدودی استثنا، زنان تنها در یافتن کارهایی توفیق داشته اند که به دقت مشابه کارهایی است که مادر (زن خانه دار) انجام می دهد.» (66)
همچنین از همین نویسنده می خوانیم: «در جوامع غربی، مردان را در اغلب حرفه ها می یابیم (به جز کار خانه و بچه داري) اما زنان شاغل در حرفه های معدودی متمرکز شده اند که بیشتر آنها به نقش جنسیتی «خانگي» زنان مربوطند و اغلب کارگر ساده و غیر ماهرند.» (67) یکی از نویسندگان می گوید: در کشورهای صنعتی بیش از دو سوم کارگران زن در بخش خدمات کار می کنند. آنها در مشاغل خاصی به عنوان خدمه خانگی، فروشنده، پرستار و معلم (خصوصا در دوره ابتدايي) متمرکز شده اند. همچنین بخش های بانکداری، هتلداری و جهانگردی زنان زیادی را جذب کار کرده است. (68)
در آماری که از اشتغال زنان در کشورهای غربی منتشر شده آمده است: «در بیشتر کشورها میزان ساعات کار زنان دست کم دو برابر ساعات کار مردان در کارهای بی مزد است. این رقم در ژاپن 9 برابر است ... در استرالیا و بریتانیا زنان بیشتر از سه برابر مردان به مراقبت از کودکان می پردازند ... در ژاپن و اسپانیا زنان 6 برابر مردان در مراقبت از کودکان وقت صرف می کنند.» (69)

نتیجه

همسرداری و مادری کاری ارزشمند و متناسب با ویژگی های جسمی و روانی زن است. تربیت فرزند شایسته و باکفایت، یکی از راههای خدمت زن به اجتماع است. بنابراین از دیدگاه اسلام اولویت اول برای زن، اشتغال به کارهای خانه و ارائه خدمات خانگی است و اشتغال به کارهای دیگر در درجه دوم اهمیت است.

تذکر دو نکته

نخست: خواننده محترم توجه دارد که در این نوشته در مقام نفی یا اثبات کار زن و بررسی ادله موافق و مخالف نبودیم بلکه صرفا در مقام درجه بندی کارها و بیان اولویت آن برای زنان بودیم و به این نتیجه رسیدیم که اشتغال به کار خانگی برای زن در اولویت اول است.
دوم: اولویت کارهای خانگی برای زن، مشروط به آن است که ضرورتی برای فعالیت های اجتماعی و اقتصادی زن وجود نداشته باشد و کار زن به دلایلی نظیر فرار از تنهایی، ارتباط بیشتر با افراد جامعه، کمک به اقتصاد خانواده، استقلال مالی و عدم وابستگی به همسر، توجیه شود. اما در مواردی که حضور گروهی از زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی ضرورت داشته باشد، ضرورت تعیین کننده اولویت آن کار خواهد بود. به عنوان نمونه، جامعه کنونی به معلم، پزشک، پرستار و پلیس زن نیاز دارد. در نتیجه اشتغال به کارهایی نظیر معلمی، پزشکی، پرستاری و خدمت در نیروی انتظامی برای گروهی از زنان، ضرورت اجتماعی است. این دسته از کارها که مورد نیاز جامعه است بر زنانی که شرایط و توانایی انجام آن را داشته باشند واجب کفایی است و بر عده ای از زنان لازم است که این مسئولیت ها و وظیفه ها را به عهده گیرند. همچنین زنانی که بر اثر فوت همسر یا جدایی از وی یا به علل دیگر نظیر معلولیت یا از کارافتادگی همسر، سرپرست خانواده بوده و تأمین خانواده را بر عهده دارند، کار و تلاش اقتصادی، جهت تأمین زندگی خود و خانواده لازم است.

پی نوشت ها :

1 ـ طبق آماری در آمریکا، از هر پنج خانواده آمریکایی که کودکان دبستانی یا حتی خردسال تر دارند، مادر یکی از آنها روزها را در خارج از خانه به سر می برد. قریب به 20% کودکان که مادران شان کار می کنند در ساعات قبل و بعد از مدرسه سرپرستی ندارند. صدها نفر از کودکان در خانواده های آمریکایی به علت غیبت مادر ناگزیرند عصرانه و شام شان را خود تهیه کنند و قسمتی از شب را تنها به سر برند. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، ص169، سروش، تهران، 1370 به نقل از بلاد 1333، ص.7

2 ـ ساروخانی، باقر، ضرورت بازتعریف جایگاه زنان، همشهری، پنج شنبه .8/5/83

3 ـ کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، علویون، سیدمحمدرضا، ص.48

4 ـ وَ أَنكِحُوا الأَيامى مِنْكُمْ وَ الصّالِحينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُم، نور، 32 «انکاح» به معنای ازدواج دادن دیگران است. «ايامي» جمع «ايم» به زن و مردی که مجرد و بدون همسرند گفته می شود.

5 ـ افضل الشفاعات ان تشفع بين اثنين فی نكاح حتی يجمع اللّه بينهما؛ بهترین وساطت ها این است که انسان میان زن و مرد برای ازدواج، وساطت نماید تا خداوند بین آنها پیوند دهد. کافی، شیخ کلینی، ج5، ص.331

6 ـ من زَوَّج اعزبا كان ممَّن ينظر اللّه إليه يوم القيامه. همان.

7 ـ قال اميرالمؤمنين عليه السلام: تزوَّجوا فإنّ رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله قال: مَن أَحَبَّ أنْ يتَّبع سنتی فإنّ مِنْ سنتی التزويج، همان، ص.329

8 ـ عن أبی عبداللّه عليه السلام قال: قال رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله: مَنْ تزوَّجَ أحرز نصفَ دينه و فی حديث آخر فليتق اللّه فی النصف الآخر أو الباقي. همان، ص.330

9 ـ قال أبوعبداللّه (عليه السلام): ركعتان يصليهما المتزوِّج أفضل مِنْ سبعين ركعة يصلّيها أعزب. همان، ص.328

10 ـ وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزواجا لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. روم، .21

11 ـ هُنَّ لِباسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَّهُنَّ، بقره، .187

12 ـ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزواجا وَ مِنَ الأَنْعامِ أَزواجا يَذْرَؤُكُمْ فيهِ. شورى، .11

13 ـ وَ الَّذينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلاّ عَلى أَزواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُم فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ فَمَنِ ابْتَغى وَراءَ ذلِکَ فَأُولئکَ هُمُ العادُونَ؛ آنان که دامان خود را حفظ می کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزان شان دارند که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند. و کسانی که غیر این طریق را طلب کنند تجاوزگرند. معارج، 31 ـ 29، مؤمنون، 7 ـ .5

14 ـ الزانيةُ و الزانی فاجْلدوا كلَّ واحدٍ منهما مأة جلدة. نور، 1. عن أبی عبداللّه عليه السلام أنه دخل عليه نسوة فسألتْه امرأة منهن عن السحق، فقال: حدُّها حد الزانی، كافی، ج7، ص.201

15 ـ و قال صلى اللّه عليه و آله و سلم: ما بُنی فی الاسلام بناء أحَبّ إلى اللّه عزّ و جلّ مِن التَزويج. الهداية، شيخ صدوق، ص257؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج100، ص222؛ كافی، ج5، ص.328

16 ـ قال رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله ... و ما مِنْ شی ءٍ أبغض الى اللّه عزّ و جلّ مِنْ بيتٍ يخرب فی الاسلام بالفرقة. همان. و عنه عليه السلام قال: تزَوّجوا و لا تطلقوا، فإنّ الطلاق يهتَزّ منه العرش. مكارم الاخلاق، شيخ طبرسي؛ عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور أحسائی، ج2، ص.139

17 ـ بقره، 83، نساء، 36، انعام، 151، احقاف، 15 وَ قَضی رَبُّکَ ألاّ تَعْبُدُوا إلاّ إیّاهُ وَ بِالوالِدَیْنِ إحْسانا إمّا یَبْلُغَنَّ. اسراء، 23. وَ وَصَّیْنا الإنسانَ بِوالِدَیْهِ. لقمان، 14. وَ صاحِبْهُما فِی الدُّنیا مَعْرُوفا. لقمان، 15. وَ وَصَّیْنا الإنسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْنا، عنکبوت، 8.

18 ـ وَ اتَّقُوا اللّهَ الَّذِی تَساءَلُونَ بِهِ وَ الأَرْحامَ. نساء، 1، الَّذینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ، رعد، 21.

19 ـ هُوَ الَّذی خَلَقَکُم مِن نَّفْسٍ واحِدَهٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إلَیْها. اعراف، 189.

20 ـ وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْواجا لِّتَسْکُنُوا إلَیْها. روم، 21.

21 ـ وَ وَصَّینَا الإنسانَ بِوالِدَیهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنا عَلَی وَهْنٍ، لقمان، 14.

22 ـ وَ وَصَّیْنَا الإنسانَ بِوالِدَیهِ إحسانا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْها وَ وَضَعَتْهُ کُرْها، احقاف، 15.

23 ـ عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: قال أمیرالمؤمنین علیه السلام: «ما مِنْ لبن یرضع به الصبی أعظم برکةً علیه مِنْ لبن أمّه.» عن محمد بن العباس بن الولید، عن أبیه، عن امه ام اسحاق بنت سلیمان قالت: «نظر إلیّ أبوعبداللّه علیه السلام و أنا أرضع أحد بنی محمدا أو إسحاق فقال: یا ام إسحاق لا ترضعیه من ثدی واحد و ارضعیه من کلیهما یکون أحدهما طعاما و الآخر شرابا.» عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: «الرضاع واحد و عشرون شهرا فما نقص فهو جور علي»، کافی، شیخ کلینی، ج6، ص.40

24 ـ مجله حورا، سال 83، شماره 8، ص.2

25 ـ وَلْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لا یَجِدونَ نِکاحا حَتی یُغنِیهُمُ اللّهُ مِن فَضلِهِ، نور، 33.

26 ـ عقده سیندرلا، ص.255

27 ـ راز آشکار، ص.262

28 ـ سفیری، خدیجه، جامعه شناسی اشتغال زنان، ص.86

29 ـ شیخی، محمدعلی، جامعه شناسی زنان و خانواده، ص.105

30 ـ صدیقی، مرضیه، نگاهی به روند جنبش زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران، کتاب نقد، پاییز 78، ص69، شماره 12.

31 ـ إنَّ اللّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ. توبه، 111.

32 ـ عوالی اللئالي: عن النبی (ص) أنه قال: «أیما امرأة خدمتْ زوجَها سبعة أیام، أ غلق اللّه علیها سبعة أبواب النیران، و فتح لها أبواب الجنان الثمانیة، تدخل مِنْ أیّها شاءتْ.» مستدرک الوسائل، میرزاحسین نوری، ج14، ص254؛ الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج2، ص.153

33 ـ صحیح بخاری، ج6، ص.192

34 ـ أمالی، شیخ صدوق، ص496؛ امالی، شیخ طوسی، ص.618

35 ـ عن أبی ابراهیم علیه السلام قال: «جهاد المرأة حسن التبعل.» کافی، ج5، ص507؛ صفوان بن یحیی، و محمد بن أبی عمیر، عن موسی بن بکر، عن زرارة عن الصادق جعفر بن محمد علیهماالسلام قال: «... جهاد المرأة حسن التبعل ...» من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص416؛ عن جابر بن یزید الجعفی قال: سمعتُ أباجعفر محمد بن علی الباقر علیهماالسلام یقول: «جهاد المرأة حسن التبعل.» خصال، شیخ صدوق، ص585؛ کنزالعمال، متقی الهندی، ج16، ص.140

36 ـ درالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج2، ص.153

37 ـ عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور أحسائی، ج1، ص270. وسائل الشیعة (آل البیت)، حر عاملی، ج20، ص172؛

وسائل الشیعة، (الاسلامیة)، ج14، ص.123

38 ـ دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ج2، ص191 و ج3، ص292. مستدرک الوسائل، میرزا نوری، ج14، ص245 ـ .238

39 ـ «فإنّ الجنة تحت رجلیها.» إعانة الطالبین، بکری دمیاطی، ج4، ص223؛ «الزمْ أمک فإنّ الجنة تحت رِجْل أمک.» در المختار حصفکی، ج4، ص300؛ «فالزمها فإنّ الجنة تحت رجلها.» الآحاد و المثانی، ضحاک، ج3، ص58. امالی، شیخ صدوق، ص601؛ الراوندی فی لب اللباب: عن النبی صلی اللّه علیه و آله، أنه قال: «الجنة تحت أقدام الامهات.» مستدرک الوسائل، میرزا نوری، ج15، ص180؛ تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج8، ص.11

40 ـ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ص368؛ تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج8، ص.11

41 ـ «به نظر بسیاری از فمینیست ها استثمار و فرودستی زنان ناشی از آن است که بچه می زایند؛ همین واقعیت زیست شناختی است که به مردان امکان داد زنان را به انقیاد بکشند و زنان به این ترتیب در سایه حمایت مردان قرار گرفتند. برخی مانند فایرستون (1974) معتقدند که زنان فقط زمانی می توانند خود را از کنترل مردان برهانند که از قید تولیدمثل آزاد شده باشند. البته همه فمینیست ها این استدلال زیست شناختی را توضیح مناسبی برای استثمار و انقیاد زنان در بریتانیای امروز نمی دانند ... فمینیست ها خاطرنشان کرده اند که باید میان قابلیت طبیعی بچه دار شدن و نقش اجتماعی مادر تمایز قائل شد. فرض بر این است که زنان چون بچه می زایند، بچه داری هم خواهند کرد اما به قول میریام دیوید (1985): «مادر شدن مفهومی اجتماعی است در حالی که پدر شدن را به ندرت به رسمیت می شناسند. پدر شدن تنها به عمل نطفه گذاری اطلاق می شود». مادر شدن تنها مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع نیست بلکه از نظر تاریخی نیز مفهومی خاص دارد، به این معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زن پنداشته شده است.» جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، ص.130

42 ـ به نظر می رسد در علت فرودستی زنان از مردان دو نکته نقش اساسی داشته اند: یکی حمل و رضاع و دیگری وابستگی اقتصادي. منصورنژاد، محمد، مسئله زن، اسلام و فمینیسم، ص.84

43 ـ تربیت فرزند از نظر اسلام، مظاهری، حسین، چ4، ص127، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، .1369

44 ـ کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، ج1، ص218، انتشارات دانشگاه تهران، چ5، .1376

45 ـ مبانی جرم شناسی، ج1، ص.218

46 ـ و عَلَی المولودِ لَهُ رِزْقُهنّ و کِسْوَتُهنَّ، بقره، .233

47 ـ روح زن، جینا لمبرزو، به نقل از راز آشکار، ص.252

48 ـ دکتر پیرواشه، لبخند زندگی، ص145، به نقل از راز آشکار، تحلیل روانی اجتماعی زن، احمد حسینا، ص.268

49 ـ استفانی گرت، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، ص.142

50 ـ همان، ص.66

51 ـ کارول ا.تورکینگتون، زنان شاغل، ترجمه شیرین خلدی ثابتی، چ اول، نیکونشر، 1379، ص.7

52 ـ شلبی، احمد، زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام، ترجمه دکتر سیدمحمود عبداللهی، چ اول، آستان قدس رضوی، 1376، صص116 ـ .120

53 ـ استفانی گرت، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، ص.142

54 ـ کولت دولینگ، عقده سیندرلا، ترجمه منصوره یعقوبی، ص.65

55 ـ عقده سیندرلا، ص.69

56 ـ همان، ص.291

57 ـ بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ص.136

58 ـ فمینیسم و دانش های فمینیستی، ترجمه عباس یزدانی و بهروز جندقی، ص.88

59 ـ همان، ص.140

60 ـ حضور، شماره 9، میزگرد در گفتگو با اساتید دانشگاه الزهرا، خانم خدیجه سفیری، خانم مرضیه موسوی و خانم زهرا شجاعي.

61 ـ راز آشکار، تحلیل روانی اجتماعی زن، ص.258

62 ـ زنان شاغل مصاف با آوار مشکلات، (بدون نام)، روزنامه ایران، تاریخ .6/3/77

63 ـ علویون، سیدمحمدرضا، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، ص31، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چ 1، .1381

64 ـ همان، ص.31

65 ـ جونی زیگر، کار زنان، ترجمه زهره زاهدی، نشریه زنان، شماره .66

66 ـ استفانی گرت، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، ص.125

67 ـ همان، ص.127

68 ـ کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، ص.33

69 ـ به نقل از مجله حقوق زنان، ص9، مقاله جایگاه زن در بخش اقتصاد کشور، مریم جهاني.